

## منبر مرحوم فلسفی ویژگی‌ها و معیارها

محمدعلی نجفی کرمانشاهی\*

### چکیده

کسب مهارت و توفیق در حوزه وعظ و تبلیغ، به عوامل و رویکردهای مختلفی وابسته است. یکی از این رویکردها، شناخت ویژگی‌های خطیبان معروف و واعظان مشهور جهان تشیع است؛ تا مبلغ با شناخت و کشف رمز پیروزی و موفقیت آنان، به الگوبرداری پرداخته، در مسیر تبلیغ و تبیین معارف اهل بیت علیهم‌السلام به انجام وظیفه بپردازد. واعظ شهیر، حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی فلسفی، از وعاظ بنام شیعه در قرن اخیر است که بیان مهم‌ترین ویژگی‌های منبر ایشان، مسئله این نوشتار است. ایشان علاوه بر سابقه کهن وعظ و خطابه که به بیش از هفتاد سال می‌رسد، در امر منبر، صاحب سبک است. هدف از این پژوهش، ترسیم ویژگی‌های منبر ایشان، به انگیزه ارائه الگوی معیار است. روش این پژوهش، مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در این پژوهش، ضمن اینکه بر تنوع و تعدد ویژگی‌های منبر وعاظ تأکید شده، «ویژگی» را به خصوصیتی که فقط عده‌ای به آن پایبند هستند، تعریف کرده و از ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی، ده مورد تحت عناوینی چون: استفاده از مباحث علمی روز، معرفی جامعیت اسلام، کثرت مطالعه و انبوه‌خوانی، استفاده صحیح از داستان، ذکر حکیمانه روایات، ذکر مسائل سیاسی بدون جناح‌گرایی، استفاده از ابزار غیرزبانی، همسویی گفتار و رفتار، توجه به سه محور: «حکمت»، «وعظ» و «جدل» و توجه به جایگاه و نیاز مخاطب بیان شده است. این ویژگی‌ها، در سه حیطه: «خطیب و واعظ»، «خطابه و وعظ» و «مخاطبان» سامان یافته است و در مجموع، هندسه‌ای را در مقوله تبلیغ و منبر ارائه می‌نماید که می‌توان آن را «مکتب تبلیغی فلسفی» نامید.

### کلیدواژه‌گان

تبلیغ، ویژگی‌های منبر، مرحوم فلسفی.

مهارت‌یابی در عرصه منبر و خطابه، در گرو تلاش فراوان و مطالعه بسیار است. همچنین، برای نیل به این مهم، از تمرین مستمر و شرکت در کارگاه‌های آموزشی فنون سخنوری، می‌توان بهره برد (حسینی قمی، ۱۳۹۸، ص ۵۴ و ۵۵). البته راه دیگری نیز وجود دارد و آن، استفاده از سیره سخنوری منبری‌ها و خطبای صاحب سبک است و بی‌شک، مرحوم فلسفی دارای سبک مختص به خود در امر تبلیغ و سخنوری است.

در باره ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی یا ویژگی منبر وی - با توجه به سیره تبلیغی ایشان و کتاب معروف ایشان در این زمینه - نوشته‌هایی پدید آمده است (مثلاً ر.ک: «سخن و سخنوری» مجله مبلغان، شماره ۲۷، فروردین ۱۳۸۱ ش)؛ ولی همچنان در مورد این مبحث، می‌توان بسیار سخن گفت و مطلب نوشت؛ زیرا ضرورت و اهمیت آن در الگوسازی برای خطبای جوان و وعاظ تازه‌کار و حتی باتجربه، بر اهل فن پوشیده نیست.

نوآوری این مقاله، علاوه بر نگرش طبقه‌بندی‌گونه به ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی بر اساس آنچه در کتاب ایشان تأکید شده، استفاده از گزارش‌های موجود در خصوص شخص مرحوم فلسفی و منبر ایشان و نیز مشاهده یا استماع اصل منبرهای آن بزرگوار است. خواننده در مقاله پیش‌رو، با مهم‌ترین خصوصاتی که این خطیب فقید در منبر داشته و به شکل ارادی یا غیرارادی از آنها بهره می‌برده و منبرش را غنا می‌بخشیده و مخاطبانش را راضی می‌نموده، آشنا می‌شود تا اگر خواست از پیروان مکتب خطابه مرحوم فلسفی باشد، نقشه این راه و معیار طی طریق برای وی، مشخص و روشن باشد.

### معرفی مرحوم فلسفی

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی فلسفی تنکابنی، از سرشناس‌ترین وعاظ تاریخ معاصر است. او به سال ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷ق در تهران دیده به جهان گشود. خاندان وی، اهل دانش و دیانت بود (دوانی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۹) و پدرش آیت‌الله شیخ محمدرضا تنکابنی - که اهل آخوند محله رامسر بود - از مجتهدان معروف و علمای طراز اول شیعه در تهران محسوب می‌شد و آخرین شاگرد میرزا حبیب‌الله رشتی بود. پدر مرحوم فلسفی، بیش از یکصد سال زیست و در سال ۱۳۸۵ق دار فانی را وداع گفت. همچنین، عموی مرحوم فلسفی که ابوالزوجه وی هم بود، شیخ محمدحسین تنکابنی نام داشت که از مجتهدان و علمای تهران به شمار می‌رفت. به‌علاوه،



فقیه برجسته آیت الله میرزا علی فلسفی، و عالم متواضع میرزا ابوالقاسم فلسفی، دو برادر دانشمند مرحوم فلسفی بودند و شیخ محمد تنکابنی، پسرعموی ایشان بود (امینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۲۱؛ شریف رازی، ۱۳۵۳، ص ۴۰۶-۴۱۱).

۹  
 مرحوم فلسفی، دروس حوزوی را در معقول و منقول، نزد اساتید برجسته‌ای آموخت؛ ولی از نوجوانی به خطابه و وعظ روی آورد و در این وادی شهره آفاق شد؛ به طوری که او را معروف‌ترین خطیب عصر و مشهورترین واعظ زمان - در میان خطبا و وعاظ فارسی‌زبان - دانسته‌اند (شریف رازی، ۱۳۵۲، ص ۳۸۷). او روشی نوین را در فن منبر پایه‌گذاری کرد و تحولی عمیق در زمینه سخنوری ایجاد نمود (همان، ص ۳۸۹). خوشدل تهرانی که خود ادیبی خطیب بود، او را استاد استادان بلاغت یاد می‌کند (همان، ص ۳۹۰). امام خمینی علیه السلام، او را «سخنگوی دیانت اسلام» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۵) نامید و حضرت آیت الله خامنه‌ای، وی را یگانه زمان در وعظ و تبلیغ منبری، و دارای حقی عظیم بر اصحاب این حرفه مقدس خواند که خدمات بزرگش در راه تبلیغ دین فراموش ناشدنی است (پایگاه مقام معظم رهبری، ۲۷ آذر ۱۳۷۷).

وفات این خطیب شهیر و واعظ مجاهد، در ۹۴ سالگی در آذر ۱۳۷۷ ش / شعبان ۱۴۱۹ ق روی داد و پیکرش را در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهرری به خاک سپردند. در رحلت وی، پیام‌های تسلیت متعددی صادر شد و مراسم فراوانی در نقاط مختلف کشور برپا گشت (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ص ۶۳۶).

### ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی

منبر، از ماده «نبر» است و به هر چیزی گفته می‌شود که چیز دیگری را بلند گرداند. منبر را از این رو منبر گفته‌اند که مرتفع و بلند است و به شخصی که فصیح و بلیغ است و از گنگی به دور باشد، مُعرب و تبار می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۹۸ و ۱۷۴۷).

با اینکه از همان ابتدای اسلام، سخت‌افزاری به نام «منبر» ایجاد گشت و مورد استفاده قرار گرفت، ولی نوعاً تعبیر «خطیب»، در مورد شخصی که وعظ می‌نمود، خطبه می‌خواند و بر منبر بود، به کار می‌رفت. همسو با استفاده از وصف خطیب، از توصیف «واعظ» برای فرد مذکور نیز استفاده شد. لقب واعظ، هرچند همواره در طول تاریخ تشیع به کار رفته و منحصر به قرون متأخر نیست، ولی فراگیری و فراوانی آن، از عصر صفویه به بعد است؛ چنان‌که اسامی و زمان





شخصیت‌هایی که بدین نام شهره گشته‌اند، گواه و شاهدهی بر آن است (واعظ خیابانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲؛ منزوی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶۹). در طلّیعه عصر صفویه، تعبیر «روضه‌خوان» - که به عقیده شهید مطهری منشأ آن خواندن کتاب روضه الشهدای کاشفی سبزواری است - نیز استعمال گشت؛ اما در این اواخر، تعبیر «منبری» رایج شد و مقصود از آن، شخصی است که وعظ و خطابه می‌نماید؛ ولی زمانی که بحث از منبر می‌شود، شامل مجموعه ارکان خطابه، یعنی: خطیب، خطبه و مخاطب است؛ مگر اینکه قید احترازی خاصی به کار رود که دایره آن را محدود نماید. در این مقاله، هر سه مقوله یادشده، مورد توجه است.

ویژگی خاص منبر، القای خطابه از سوی واعظ و استماع مخاطبان است. اگرچه سعی شده روش‌های دیگری، به‌ویژه در اعصار متأخر پدید آید، ولی اصلی‌ترین خصوصیت منبر خطبای تاریخ اسلام، همین القا و استماع دوسویه است؛ امری که برای غربی‌ها و سیاحان خارجی نیز جذاب و حیرت‌انگیز بوده و وضع توأمان القای خطابه از جانب خطیب و حالت انتظار و استماع مستمعان، باعث شگفتی آنها می‌شده است (برای نمونه، ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰، مقاله «سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی»).

ناگفته نماند که مقصود از ویژگی در این نوشتار، معنای لغوی آن نیست؛ زیرا ویژگی‌های شخصی در نگاه نخست، چیزهایی هستند که در یک شخص وجود داشته و در اشخاص دیگر وجود ندارند؛ مثلاً لقب مبارک «امیرالمؤمنین»، از خصایص انحصاری حضرت امام علی علیه السلام است که حتی بر انبیا و ائمه دیگر اطلاق نمی‌گردد؛ اما در نگاه دیگر، مقصود از ویژگی، بحث انحصار نیست؛ بلکه آن چیزی است که در غالب افراد یک صنف خاص موجود نیست و به صورت برجسته در افرادی نادر موجود است. از این رو، منظور ما از ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی در این پژوهش، آن دسته ویژگی‌های برجسته علمی و عملی ایشان است که معمولاً در مبلغان دیگر وجود ندارد. به طور کلی، موارد ذیل را می‌توان از ویژگی‌های منبر مرحوم حجت‌الاسلام فلسفی برشمرد:

#### ۱. استفاده از مباحث علمی روز

دانش جامعه بشری، همواره در حال افزایش و تکامل است و بر اساس عقیده ما شیعیان، پس از ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام، دانشی که بشر بدان دست یافته، چندین برابر دیگر نیز رشد خواهد نمود و جهش پیدا می‌کند. بر این اساس و نیز به جهت تطورات زندگی بشر و اقتضائات هر

زمان، آن دینی سرزنده و پویاست که بتواند با تکامل دانش جوامع، گرفتار جمود یا کهنگی نگردد. اعتقاد ما نیز به عنوان اینکه اسلام دین نهایی خداوند و مکتب تشیع، قرائت اصیل و ناب از این دین مبین است، بیانگر آن است که دین بتواند با زمانه پیش برود و حرفی برای گفتن داشته باشد. از این جهت، هنر عالم و محقق و خطیب شیعه است که بتواند لایه‌های پنهان مبانی دینی را کشف کند و برای مردم تبیین نماید و در این مسیر، از مباحث علمی روز نیز بهره‌بردار تا هم تهمت دوگانگی دین و دانش از میان برود و هم مردم سرزندگی و تازگی دینی را که بدان معتقدند، حس کنند. در این زمینه، یعنی بهره‌بردن از مباحث علمی روز و تطبیق مسائل علوم رایج و مهمی چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بر نصوص اصیل دینی، مرحوم فلسفی بسیار موفق و پیشرو بود. وی بدون اینکه در دام تفسیر مادی از دین گرفتار آید، سعی می‌کرد بر اساس مطالعات وسیعی که داشت، نکات ناب مکاتب و علوم نوین را درک نماید و سرچشمه دینی تعدادی از آنان را به دست بدهد. شواهد متعددی از این زمینه را می‌توان در منبرها یا نوشته‌های وی به دست داد.

استعمار، از نوع کهن یا نوین آن، از عوامل اثرگذار در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است (ولایتی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۹). از جمله توطئه‌های استعمار، ناکارآمد جلوه دادن رسانه تأثیرگذار منبر است و اگر واعظ به مسائل روز نپردازد، در حقیقت، در زمین استعمار و برای جبهه باطل کار نموده است. مقصود از پرداختن واعظ به مسائل روز، ذکر مطالبی است که مورد ابتلا و نیاز جامعه است و این، به معنای پرداختن به وقایع و تاریخ سایر امم و ادوار کهن نیست؛ بلکه می‌توان به صورت نظریاتی و استناد به حوادث مشابه، هرچند به هزاره‌های سابق متعلق باشد، مسائل روز را متذکر شد و به مقصود خود رسید. البته از دید مرحوم فلسفی، واعظ باید دقت داشته باشد که مطالب علمی مردود را بیان نکند و نصوص دینی مبتنی بر مطالبی را که به خرافه می‌ماند یا خارج از درک وی است و موجب ضربه خوردن به دین مردم است، ارائه ننماید (حمیدزاده گیوی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷).

## ۲. معرفی جامعیت اسلام

هدایت، گونه‌های مختلف و متنوعی دارد که وعظ و خطابه، یکی از آن گونه‌ها و صورت‌هاست (شریعتمداری، ۱۳۹۱، ص ۸۶). برخی خطبا به این نکته مهم دقت دارند که بیان مطالب توسط آنها، به گونه‌ای باشد که جامعیت دین مبین اسلام را نشان بدهد و مرحوم فلسفی نیز از همین دست

افراد بود. ایراد خطابه با این رویکرد، موجب می‌گردد هم مخاطب جذب سخنان خطیب شود و هم به صورت زنجیره‌وار مسائل و معارف اسلامی برای وی حل گردد یا نسبت بدان‌ها معرفت تدریجی پیدا کند. معرفی جامعیت اسلام، محتاج مطالعات گسترده خطیب و درک - هرچند متوسط - وی از مجموعه عقاید و احکام و معارف اسلامی است. بدیهی است، برای اینکه بیان جامعیت اسلام در خطابه یک خطیب جلوه کند، باید سیر منطقی بحث‌ها نیز رعایت شود و مبلغ، سلسله‌وار بتواند زنجیره‌های گسسته را به هم پیوست دهد و مخاطب را با خود همراه نماید. هماهنگی ابتدا و انتهای هر مجلس سخنرانی و نیز پرهیز از تناقض‌گویی (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۹)، از ملزومات بیان جامعیت اسلام است؛ زیرا ممکن است خطیبی بتواند معارف اسلامی را با نگاهی جامع بیان کند، ولی بر اثر عدم اتخاذ سیر منطقی بحث و نیز گرفتار شدن به بیان مطالب متناقض، به نتیجه مطلوب دست نیابد.

### ۳. کثرت مطالعه و انبوه‌خوانی

ذهن انسان غیر معصوم هر مقدار که تیز و قوی باشد، ولی با فاصله گرفتن از مطالعات مستمر، دقتش در بیان مطالب کم می‌گردد و برخی امور را فراموش کرده یا به صورت ناقص به خاطر خواهد داشت. از این رو، استمرار مطالعه، حتی برای مدرسان برجسته و مبلغان توانا نیز امری ضروری است. متأسفانه، بعضی افراد بدون توجه به این نکته، پس از اینکه سالیانی چند به تدریس یا تبلیغ و خطابه اشتغال داشتند، به همان دانسته‌های قبلی اکتفا کرده و هیچ تلاشی در انبوه‌خوانی و مطالعه مستمر ندارند. این امر، آسیب‌های فراوانی از جمله نقل ناقص یا اشتباه دانسته‌های قبلی را در پی خواهد داشت. حجت‌الاسلام فلسفی، هرچند تحصیلات طولانی مدتی داشت و مبانی دینی و معارف مذهبی را نیک فرا گرفته بود، اما همواره اهل مطالعه روشمند و تحقیق هدفمند بود. دامنه مطالعات وی برای ارائه منبرهایش به گونه‌ای بود که علاوه بر ده یا بیست ساعت مطالعه‌ای که برای هر منبر اختصاص می‌داد، وسعت زمانی بسیار بیشتری را برای هضم و درک دقیق‌تر پاره‌ای معارف لحاظ می‌نمود تا بدانجا که خروجی مطالعات انبوهش در برخی موضوعات، علاوه بر منبرهایی که مثلاً در یک دهه یا یک ماه ارائه می‌داد، تولید کتاب‌هایی علمی و پُر بار بود؛ به عنوان مثال، نوشته‌های ایشان در باره طفل و جوان و یا آیه‌الکرسی، از نتایج مطالعات وسیع ایشان در مقطعی خاص بوده است.

#### ۴. استفاده صحیح از داستان

از جمله اموری که در فنّ خطابه در میان تمام ادیان و مکاتب قدیم و جدید وجود داشته و دارد، بهره بردن از داستان و حکایت برای تفهیم معارف و مفاهیم است. در سیره انبیای الهی علیهم‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام و نیز در تاریخ و عظم و خطابه مسلمانان و غیرمسلمانان، استفاده از داستان و حکایت در منابر و خطبه‌ها، پُررنگ بوده است. مزایای استفاده از داستان در خطابه، امری روشن است و نیازی به تبیین ندارد. یکی از اصلی‌ترین رویکردها در اصل جواز، و بلکه ترجیح ذکر داستان برای عبرت‌آموزی، استناد به قرآن کریم در این زمینه است (دانش‌کجا، ۱۳۹۳، ص ۵۰ - ۵۵). داستان‌گویی در منابر، به‌سان هر چیز دیگر، دارای آداب و آفاتی است. از جمله آداب بهره‌گیری از داستان در منبر، عدم افراط در این مسیر، بهره‌جستن از داستان‌های مستند و حکایات معتبر است؛ تا هدف اصلی از این کار که اقناع مخاطب است، برآورده شود؛ امری که مرحوم فلسفی همواره بدان پایبند بود و در استناد به حکایات معتبر و دارای مصادر صحیح، دقت وافر و توجه بسیار داشت؛ برخلاف آن دسته افرادی که گمان می‌برند تمایل مستمعان برای شنیدن داستان، مجوز نقل هرگونه داستانی خواهد بود؛ زیرا چنین تصویری، به عدم تحقق هدف منبر و در مواردی، نقض غرض و به وجود آمدن نتیجه منفی منجر می‌شود.

#### ۵. ذکر حکیمانه روایات

حدیث، منبع معرفت و حکمت است؛ ولی به سبب اینکه دایره فهم مخاطبان، متفاوت است و مراتب درک مستمعان یکسان نیست، هنر خطیب و واعظ در این است که به فراخور حال و میزان رتبه درک دینی افراد، به ذکر احادیث بپردازد؛ چنان‌که در توصیه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز این مطلب مشهود است و بیان مطلب به اندازه رتبه درک مخاطب، از سیره انبیا و اوصیا یاد شده است (مازندرانی، ۱۳۴۲، ج ۱۲، ص ۳۵۴). گلچین نمودن روایات و احادیث خاص و ناب که دایره شمول آنها عمومی‌تر است، از هنرهای یک خطیب است؛ به‌ویژه در روزگاری که وسایلی چون: رادیو، تلویزیون، اینترنت و موبایل باعث شده منبر خطیبان حالتی فرا منطقه‌ای به خود بگیرد. عدم ذکر روایاتی که موجب وهن مذهب است، بسیار مهم می‌باشد. مرحوم فلسفی، در زمان خود کاملاً به این مسئله واقف بود و نسبت به آن حساسیت داشت. بازگشت این رویکرد ارزنده و حکیمانه مرحوم فلسفی، به مقوله تناسب محتوا با حال مستمعان است و اینکه منبری آگاه باشد که چه موضوعی را برگزیند و استفاده‌اش از شعر و قصه و طنز به چه میزان باشد و یا اگر ذکر



احکام لازم است، چه احکامی را بیان کند. آیا مجلس خطابه اقتضا دارد متن عربی آیات و روایات طولانی را خواند یا اینکه مبلغ فقط متن عربی متون کوتاه را بخواند و از پریشانی ذهن مخاطبان جلوگیری کند. آیا محور مباحث خطیب، بیشتر تبشیری باشد یا اندازی یا تلفیقی از انذار و تبشیر. همچنین، تکرار که به ندرت لازم است و غالباً موجب ملالت است، در چه جایی ضرورت می‌یابد؛ چون معمولاً مخاطب از طولانی شدن سخنرانی گریزان است. واعظی در منزل مرحوم فلسفی و در حضور ایشان منبر رفته بود. وی می‌گفت: دیدم در مقابل منبر این عبارت را نوشته‌اند: حداکثر بیست دقیقه!

بدیهی است که بیان مطالب مورد نیاز و به فراخور ذهن و درک مخاطب، محتاج تسلط خطیب به موضوع سخن است. تعبیر مرحوم فلسفی از آن، به «سخنوری و بصیرت» می‌باشد؛ اصولاً آگاهی از مطلبی که قرار بر القا و تبیین آن است، اولین وظیفه اساسی منبری محسوب می‌گردد (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶). پس، او باید بینا و بصیر باشد و مطلبی را که برای ارائه آماده کرده، به خوبی بفهمد و از سخن گفتن بدون علم پرهیز نماید؛ چه در صورتی که نسبت به موضوع سخن بی اطلاع است و چه در فرضی که متخصص و آگاه است، ولی وقت مطالعه و مراجعه و مطالعه نداشته و بدون تحقیق کافی در باب موضوعی سخن می‌گوید؛ حال آنکه چنین سخن گفتنی، سزاوار کسی است که از نظر مطالب و محفوظات آن چنان غنی باشد که بتواند در ظرف چند لحظه، از محفوظات خویش موضوعی مناسب برگزیند (همان، ص ۴۳-۴۷).

پدر مرحوم فلسفی، بدان حد مقید به استمرار تحصیلات دینی پسرش بود که با وجود اقبال مردم به منبرهای او در سنین نوجوانی، شرط کرده بود که تحصیلاتش را تکمیل کند و در میانه هفته منبر نرود و فقط در پنج‌شنبه و جمعه به وعظ و خطابه پردازد (خردمند، ۱۳۸۶، ص ۵۲۳). همچنین، آن مرحوم با داشتن تحصیلات طولانی، مطالعات مستمر و تحقیقات فراوان در دوران ممنوع المنبر بودن، همچنان برای هر منبر، ۸ تا ۱۰ ساعت مطالعه می‌نمود.

یکی از آفات سخنرانی و نبایسته‌های محتوا به هنگام ارائه مطالب، افکندن مخاطب در شبهه و بیان نکاتی فراتر از درک اوست. وقتی مخاطب بستر مقدماتی فراگیری برخی مطالب را طی نکرده، بیان مباحث مشتمل بر خرافات و غلو یا کرامات بیش از حد یا بیان بعضی اعجازهای معصومین علیهم‌السلام، نه تنها موجب تقویت دیانت و ایمان او نمی‌شود، بلکه ممکن است خدای ناکرده باعث سخره گرفتن اعجاز یا افتادن وی در شبهه گردد. واضح است که شیطان در



هر امر و فعلی از بشر طمع می‌کند که آن را فاسد نماید و تبلیغ و وعظ و خطابه نیز از این امر مستثنا نبوده و باید به ناپایسته‌ها و آسیب‌های آن توجه کرد (حمیدزاده گیوی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶-۲۶۷). نقل شبهات غیر مجاز که نمی‌توان به آسانی اذهان مردم را از آن پاک کرد، از آفات برخی وعاظ است (بهراری، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴). از دیدگاه مرحوم فلسفی، ویژگی عدم القای شبهه، بسیار مهم و اساسی است. شبهه‌ای که لازم است مطرح و رد شود، باید ابتدا خوب شرح داده شود و سپس، پاسخ وافی بدان داد؛ بلکه بهتر است ابتدا پاسخ آن به صورت بحثی مفصل مطرح شود تا وقتی اصل شبهه مطرح می‌شود، مخاطبان جواب را فهمیده باشند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۴، ۳۱۳ و ۳۳۴).

#### ۶. ذکر مسائل سیاسی بدون جناح‌گرایی

زنده‌یاد شیخ محمدتقی فلسفی که به عنوان یک منبری اخلاقی معروف بود، نسبت به وقایع سیاسی و اجتماعی زمانه، بیگانه و بی‌اعتنا نبود. از نگاه وی، خطیب باید آشنا به مباحث اجتماعی و وضع سیاسی روز باشد تا مبادا سخنی بگوید یا موضعی اتخاذ نماید که برخلاف مصلحت تلقی گردد (همان، ص ۱۵۸ و ۱۸۳). البته از دیدگاه ایشان، سیاسی بودن، غیر از جناحی بودن است. اینکه منبری اهل سیاست‌ورزی باشد، قابل جمع با فراجناحی بودن است. از نگاه او، یکی از شرایط منبری، اصلاح‌جویی و فسادستیزی بودن است؛ بدین معنا که رویکرد اساسی خود را بر اساس مکتب حضرت سید الشهداء علیه السلام، تمرکز بر ایجاد اصلاح و مبارزه با ظلم و ظالم با فساد و فاسد قرار دهد؛ ولی شرط اساسی این کار، داشتن بصیرت است. مرحوم فلسفی معتقد بود که انتقاد، بخشی از محتوای منبر است؛ ولی باید ظریفانه و بابصیرت مطرح شود (همان، ص ۱۹۸-۲۰۵). وی با وجود ده‌ها سال ستم‌ستیزی و داشتن روحیه اصلاح در عصر پهلوی، پس از پیروزی انقلاب به سبب اینکه انقلاب اسلامی روی کار آمده و انتقاد، موجب سوء استفاده دشمن می‌شد، از انتقاد علنی دست برداشت و می‌گفت: من در این باره، وظیفه‌ام را به طور خصوصی انجام می‌دهم (دوانی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۴). در باره انتقاد و آداب و انواع آن، مرحوم فلسفی به صورت مبسوط بحث نموده است (فلسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳-۳۶۲).

شجاعت و نهراسیدن از غیر خدا، از ویژگی‌های لازم و ضروری برای خطیب و واعظ و مبلغ است؛ چنان‌که خداوند سبحان در این مورد فرموده: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، آیه ۳۹). البته شجاعت تا وقتی قابل ستایش و



پسندیده است که از مرز شرع تجاوز نکند و رنگ تهور به خود نگیرد. شجاعت خطیب، بر نفوذ سخنش می‌افزاید، اطمینان خاطر شنوندگان را افزایش داده، موجب اقناع سریع‌تر آنان می‌شود (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۶۳).

ورود در عرصه‌های سیاسی نیز در ذیل مقوله شجاعت و دوری از عافیت‌طلبی تحلیل می‌گردد. مرحوم فلسفی در عصر پهلوی اول، به سبب انتقاد از دستگاه حاکم، ممنوع‌المنبر شد. همچنین، در سال ۱۳۲۷ش که با دسیسه انگلیس و غربی‌ها، اسرائیل اعلان موجودیت کرد و یکی از بزرگ‌ترین امواج مخالفت با این قضیه، در ایران و به طور خاص توسط آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام سامان داده شد (نجفی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵). شیخ محمدتقی فلسفی، از ابرار خطابه و منبر برای رسواسازی خائنان استفاده می‌کرد. در واقعه شهدای آذربایجان در دهه بیست، اولین ملاقات شاه با مرحوم فلسفی روی داد و این امر، شروع ارتباط فلسفی با شاه بود. تا زمانی که این ارتباط قطع نشده بود، عامل کارگشایی از کار مؤمنان و گرفتاران بود و مرحوم فلسفی از ارتباطش برای حل مشکل‌ها و رفع نیاز مؤمنان استفاده می‌کرد (شیری، ۱۳۹۳، ص ۷۰۷ و ۷۰۸؛ دوانی، ۱۳۶۷، ص ۱۲۴-۱۲۶). فلسفی، نماینده آیت‌الله بروجردی و مراجع بزرگ و رساننده پیام میان مراجع و دربار بود (خردمند، ۱۳۸۶، ص ۵۲۸). استیضاح دولت علم، از فعالیت‌های برجسته سیاسی مرحوم فلسفی بود که در زمان خود، بسیار برجسته تلقی شد (همان، ص ۵۳۰-۵۳۲؛ ر.ک: فلسفی، استیضاح دولت در حضور ملت، ۱۳۸۴).

تبعیت از مرجعیت اعلای شیعه، در راستای همین مقوله آشنایی با زمان می‌گنجد. با اینکه در میان مؤمنان فقط سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام حجت است، ولی منبری نمی‌تواند این اصل بنیادین را نادیده انگارد که در عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام، مرجعیت دینی شیعه است که راهبر جامعه در صراط مستقیم و هادی امت است. از این رو، تخطی از خط مرجعیت ناپسند بوده و گوش به فرمان مرجعیت بودن، ویژگی منبری‌های طراز اول و برجسته است. مرحوم فلسفی نیز در طول حیات خود، همواره این‌گونه بود؛ از باب نمونه، می‌توان به داستان حظیرة القدس بهائیان و هماهنگی میان وی و مرجع مطلق جهان تشیع، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یاد کرد (قیصری، ۱۳۹۰، ص ۴۹؛ گورابی، ۱۳۸۹، ش ۵۱). مجموع ویژگی‌های مرحوم فلسفی باعث شده بود تا به تعبیر آیت‌الله بهاء‌الدینی، دستگاه طاغوت از منبرهای ایشان وحشت و هراس داشته باشد (حیدری کاشانی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹).

## ۷. استفاده از ابزار غیرزبانی

اگرچه برخی مؤلفه‌های فصاحت سخنور، فطری و عطیه‌ای الهی است، اما با تمرین و مجاهده می‌توان خطیبی فصیح شد؛ بدان گونه که سخن چون موم در دستان انسان باشد و در قامت شخصی سخن‌آفرین، الفاظ و جملات مناسب را اختیار کرده، در فراز و فرود سخن دچار تردید و توقف و بن‌بست نشود و در انتخاب کلمات و ترکیب جملات تسلط کافی داشته باشد و از گفتن الفاظ زشت، پیچیده یا نامأنوس دوری کند. همچنین، بحث تکیه بر صوت و اندازه‌گیری صدا و اعتدال در تندگویی و کندگویی، از مصادیق فصاحت بیان است که رعایت آنها در حسن استماع شنونده مؤثر است (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۵۱)؛ چنان‌که بلاغت سخنور نیز ویژگی مشابه دیگری است که باید عناصرش مراعات شود؛ مانند تفاوت میان زمان طبیعی، تاریخی و اجتماعی (همان، ص ۱۵۳-۲۰۵).

استفاده از ابزارهای غیرزبانی نیز توسط دسته‌ای از منبری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق سیره مرحوم فلسفی - به غیر از منبرهای رادیویی ایشان - استفاده از دست، چرخش صورت، استتطاق از مخاطبان و دیگر مواردی که مصداق ابزار غیرزبانی و مفید در القای مطلب یا جلب توجه مخاطب و مستمع است، از ویژگی‌های منبر ایشان شمرده می‌شود؛ چنان‌که خود ایشان به این نکات تصریح نیز داشت (همان، ص ۲۲۳-۲۴۳)؛ به‌ویژه دقت ایشان در استفاده از «زبان بدن» قابل التفات بود. در مجموع، استفاده از این تنوع ابزاری موجب شده بود مرحوم فلسفی علاوه بر بیان روان و شمرده‌ای که داشت و بر پرمحتوا بودن منبرهایش تأکید می‌نمود، بتواند در عرصه منبر به عنوان یک الگوی مبتکر شناخته شود و مسیر منبر خویش را از صورت عادی آن به جهات دیگر سوق دهد (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ص ۶۳۳).

## ۸. همسویی گفتار و رفتار

انتظاری که خداوند و اولیا و حتی اصناف مردم از سخنوران و خطیبان دارند، همسویی گفتار آنان با رفتارشان است. مرحوم فلسفی داستان جالبی را در این زمینه نقل می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۰) و خود نیز پیوسته بر عامل به علم خویش بودن تأکید داشت. پند سودمند و نافع‌ترین وعظ، آن است که خصوصیت بازدارندگی داشته باشد؛ «الْوَعظُ النَّافِعُ مَا رَدَّعَ» و «أَنْفَعُ الْمَوَاعِظِ مَا رَدَّعَ» (آمدی، ۱۳۷۶ق، ص ۴۲ و ۱۸۳) بدیهی است که یکی از عوامل اثرگذار در تحقق بازدارندگی مورد انتظار در مقوله وعظ، عمل شخص واعظ به بیاناتش باشد.

مرحوم فلسفی، انسانی مقید به قیود شرعی، مخلص، دلسوز مردم و دارای پشتکار و همت والا بود. چون از نگاه او، هدف اصلی اسلام آن است که مردم ساخته‌شده، وظیفه‌شناس و درستکار بار آیند و به مکارم اخلاق و سجایای انسانی متخلق گردند (فلسفی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۹۰). خود نیز سعی داشت مزین به آداب و اخلاق پسندیده باشد. رسانه منبر، در گذشته و حال ظرفیت متخلق ساختن مردم به مکارم اخلاق را دارا بوده و هست؛ به شرط وجود یک ویژگی مهم در شخص منبری، و آن، تقید علمی و عملی به شرع است؛ «یکی از ویژگی‌های مهم آقای فلسفی، این بود که در سخنرانی‌هایش خیلی مقید بود برخلاف موازین شرع و روایات مطلبی نگویید... و... می‌گفت: وقتی می‌خواهم مطلبی بگویم، اول به کتب مراجعه می‌کنم تا خلاف دین و روایات نباشد. سپس، بالای منبر می‌گویم» (شیری زنجانی، ۱۳۹۳، ص ۷۰۸).

تخصص در دانش و نیز ورود در زمینه‌هایی که انسان نسبت بدان آگاهی دارد و عدم ورود در زمینه‌هایی که فاقد اطلاع در آنهاست، یک حکم عقلی و دارای پشتوانه نقلی استوار است (نجفی، ۱۳۹۸، فصل دوم). مرحوم فلسفی می‌فرمود: خطیب باید آگاه به مطالبی باشد که بیان می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶؛ حمیدزاده گیوی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۲). ایشان سخنرانان را از ورود در زمینه‌هایی که نسبت بدان اطلاع کافی ندارند، بر حذر می‌داشت و اظهار نظر در این زمینه‌ها را ناپسند دانسته، دارای آسیب فراوان می‌خواند.

برخلاف موجی که قبل از انقلاب ایجاد شده بود، مرحوم فلسفی قرآن بسندگی را مذموم می‌دانست و عقیده داشت در کنار استفاده از معارف قرآنی باید در منبرها محوریت با معارف اهل بیت علیهم‌السلام باشد. خودش نیز تا بدانجا از روایات جان‌بخش بهره می‌برد که مجموعه‌هایی حدیثی از منبرها و آثارش تولید شده است. از دید وی، عترت و قرآن، دو یادگار نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و از هم جدا نمی‌شوند و تبیین کتاب وحی بر عهده اهل بیت معظم رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نهاده شده است (فلسفی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

ویژگی اصلی خطیب شیعه، این است که محوریت را در منبر خویش به ثقلین بدهد و از ارائه منبرهای صرفاً متکی بر مباحث علوم انسانی روز یا منبرهای قرآن‌محور دوری کند. همچنین، ایشان مقید بود ذکر کرامات علما در منبرش پُررنگ نباشد؛ تا مناقب و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام تحت الشعاع قرار نگیرد. ایشان از ذکر مطالب مشابه و شطحیات، دوری می‌کرد. وی مقید بود مقتل و روضه نیز بخواند؛ چنان‌که مجموعه مقالات وی به چند صورت تجمیع و منتشر شده است

(از جمله: مقتل فلسفی، به کوشش رحمتی شهرضا، ۱۳۸۲). البته در پخش سخنرانی‌های رادیویی مرحوم فلسفی در زمان طاغوت، به محض اتمام سخنرانی، پخش رادیویی قطع می‌گشت و مقتل‌های وی پخش نمی‌شد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۸۹). به یاد امام زمان علیه السلام بودن و آن خسرو خوبان را ناظر منبر و وعظ خویش دیدن، از خصوصیات مرحوم فلسفی بود. وی می‌فرمود:

«شما نیز هر وقت منبر می‌روید، این را به خاطر داشته باشید که: «مَا ظَنُّكَ يَا مَامَ الزَّمَانِ علیه السلام»؛ یعنی به گونه‌ای حرف بزنید که اگر امام علیه السلام در مسجد را باز بکند و شما را بر بالای منبر ببیند، [تأیید نموده و] بگوید: احسنت» (پایگاه اینترنتی بلاغ، شماره مطلب: ۷۱۲۱، ۱۳۹۵/۶/۳).

### ۹. توجه به سه مؤلفه حکمت، وعظ و جدل

اینکه شخص رویکرد منبرهای خویش را فقط تک‌عنصری قرار دهد، یک آفت در منبر است؛ زیرا دین اسلام جامع‌الاطراف است و مخاطبان نیز در بسترهای زمانی و مکانی، متفاوت هستند. از ویژگی‌هایی که در منبر مرحوم فلسفی مشهور بود و خود نیز بدان تصریح داشت، لزوم ارائه منبرهای متنوع است. تنوع، به دو گونه است: عرضی و طولی. مقصود از تنوع عرضی، استفاده از مطالب متنوع در مباحث سلسله‌وار و موضوعی است و مقصود از تنوع طولی، انتخاب منبرهای کشکولی است. همچنین، یکی از مصادیق تنوع، استفاده از روش «زاویه انحرافی» است؛ یعنی خطیب بدون اینکه دچار تناقض گفتاری شود، ابتدا مطلبی شگفت، انکارآمیز و به ظاهر غیرقابل قبول را مطرح می‌کند، تا در واقع، حقیقت ناشناخته‌ای را برای مردم روشن سازد. این قسم سخن گفتن، در فکر شنوندگان اثر گذاشته و سخنان منبری را از یاد نمی‌برند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۵-۱۰۲).

به دستور خداوند، رسول وی موظف بود دعوت خویش را بر سه اصل: سخنان حکیمانه، مواعظ حسنه و مجادله‌های فاقد خصومت مبتنی سازد؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِلَا تِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، آیه ۱۲۵). خطیب و منبری نیز باید به اقتضای مجلس وعظ و کیفیت استماع مستمعان، از یکی از مصادیق سخنان حکیمانه، اندرزهای نیک و مقوله مجادله و مناظره بهره بجوید (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۸۳)؛ هرچند مردم بیشتر در مواد خطابه به مظنونات، مقبولات و مشهورات عادت دارند؛ تا برهان و استدلال (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۷۸). بشر از نظر ساختمان عقلی و استعدادهای طبیعی، طوری آفریده شده که برای تسخیر آسمان‌ها و زمین شایستگی دارد؛ ولی این امر، محتاج مجهز شدن



به سلاح علم و عمل و به فعلیت در آوردن همه استعدادهای درونی اش است (فلسفی، الف، ۱۳۸۷، ص ۸۲). استفاده از رسانه منبر در تحقق فعلیت استعدادهای مردم، امری شدنی است؛ ولی این موضوع، در گرو توجه به عنصر زمان و مکان است. در واقع، بازگشت این امر به همان قانون تناسب محتوای منبر است؛ یعنی باید محتوایی که خطیب ارائه می‌دهد، متناسب با زمان و مکان ایراد خطابه باشد؛ به عنوان نمونه، اگر در ایامی خاص منبر می‌رود، به تناسب آن ایام بحث کند یا اینکه وعظ در مکان‌های خاص، مثل جبهه یا مناطقی که برادران اهل سنت نیز می‌زیند، اقتضائات مخصوص خود را دارد؛ امری که استعدادهای را برای «فعلیت ایجابی» (سیر به سوی کمال) و «فعلیت سلبی» (دوری از انحرافات اخلاقی و فکری) هدایت خواهد کرد.

#### ۱۰. توجه به جایگاه و نیاز مخاطب

یکی از ارکان فرآیند تحقق مبحث وعظ، مخاطب است. منبری موفق و مفید، آن کسی است که مخاطب و نیازهای وی را بشناسد و برای وی احترام قائل شود (همو، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰ و ۱۹۳). وظیفه نخست سخنور، آگاهی و آگاه‌سازی است و دومین وظیفه‌اش، اقناع شنوندگان و مخاطبان است. علاوه بر این دو وظیفه، ترغیب مستمعان نیز باید مورد توجه خطیب باشد (همان، ص ۲۱-۴۳). اگرچه حُسن استماع مستمع از جهتی وظیفه اوست و شرط اصلی فراگیری دانش و رهیابی به کمال است (همان، ص ۲۰۸)، اما بر خطیب است که نه تنها پریشانی خاطر مستمع را پدید نیاورد، بلکه در افزایش میل و رغبت و حُسن استماع او بکوشد. این موضوع، حتی برای خود گوینده دانا نیز مفید است (همان، ص ۲۱۲)؛ چراکه حُسن استماع، در قدرت تفهیم اثر می‌گذارد و اگر قدرت تفهیم منتفی گردد و شنوندگان مقصود منبری را در نیابند، برپایی مجلس وعظ و سخنرانی، بیهوده و لغو است (همان، ص ۲۸۵). از این رو، برای نیل به این مقصود، باید منبری روش‌هایی چون: استفاده از کلمات روان، جملات کوتاه، مقایسه و سنجش، تمثیل و تشبیه، پاسخ به پرسش‌ها و مواردی دیگر را لحاظ کند تا در حُسن استماع شنونده، ترغیب وی به شنیدن و نفوذ قول خطیب مؤثر باشد (همان، ص ۲۸۶-۳۱۲). مرحوم فلسفی عملاً این نکات را پیاده می‌نمود و مجموع این مزیت‌ها موجب شده بود که برخی افراد مقید باشند بلافاصله پس از منبر مرحوم فلسفی در جایی، خود را به منبر بعدی او نیز برسانند؛ چنان‌که در مورد تاج نیشابوری، واعظ شهیر عصر قاجار، نقل شده که وقتی از منبر پایین می‌آمد، بیشتر حاضران بر می‌خاستند تا خود را به مجلس بعدی او برسانند (خالقی، ۱۳۵۳، ص ۳۵۶).

## سخن پایانی

با وجود ایجاد رسانه‌های رقیب در عصر حاضر، منبر دارای تفاوت‌ها و ویژگی‌هایی است که همچنان به دید برخی از صاحب‌نظران اهل تجربه، «رسانه‌ای بی‌بدیل» قلمداد می‌گردد (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۶۹)؛ چنان‌که شواهد متعددی از تأثیرگذاری منبر در وقایع و حوادث مهم سیاسی - اجتماعی تاریخ ایران و ممالک اسلامی، به‌ویژه ملت‌های شیعی را می‌توان نشان داد. بدین ترتیب، با برنامه‌ریزی دقیق در بهره‌برداری از این رسانه می‌توان مانند گذشته، از آن در ترقی و پیشبرد اجتماع اسلامی بهره برد. اسلام و به‌خصوص مکتب تشیع، دارای ابزارها و ظرفیت‌هایی است که می‌تواند سعادت و کمال بشر را بدون افتادن در چاه منحط تیره‌روزی فراهم سازد. یکی از ابزارهای تحقق این امر، توجه به جایگاه واعظان به عنوان یکی از طبقات و اصناف مؤثر در اجتماع (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۱) و بهره‌مندی هنرمندانه از رسانه بی‌بدیل منبر است. تربیت منبری‌های زبده، راه‌های گوناگونی دارد که از جمله می‌توان به شناساندن منبری‌های موفق تاریخ شیعه و بیان ویژگی‌های منبر آنان اشاره کرد. مرحوم شیخ محمدتقی فلسفی، از همین دست افراد است که به ویژگی‌های منبر معیار وی، بر اساس نوشته‌ها و سیره تبلیغی وی پرداختیم؛ ویژگی‌هایی که در راستای ارتباط با شخص خطیب، محتوا و روش خطابه و مقتضیات مرتبط با مخاطب تقسیم شده و هر کدام دارای جهات و حیثیاتی است؛ امری که در مجموع، موجب می‌شود قائل شویم که «مکتب تبلیغی فلسفی»، یک مکتب معیار برای تربیت مبلغ و منبری است و باید در شناساندن و معرفی این مکتب کوشید.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۹ ش، چاپ پنجم، قم، اشکذر.
۳. امینی، محمدهادی، ۱۴۱۳ ق، معجم رجال الفكر فی النجف، چاپ دوم، بی‌جا، بی‌نا.
۴. انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸ ش، اختران فضیلت، ج ۱، قم، دلیل ما.
۵. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۶ ق، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، قم، دار الکتاب.
۶. بهاری، شیخ محمد، ۱۳۷۵ ش، تذکره المتقین، قم، نهاوندی.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ ش، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۶ ش، مقالات تاریخی، ج ۲، چاپ دوم، قم، الهادی.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ ش، مهر استاد، چاپ سوم، قم، اسراء.
۱۰. حسینی‌زاده، سید علی، ۱۳۹۰ ش، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، چاپ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. حسینی قمی، سید حسین، ۱۳۹۸ ش، مصاحبه با ایشان در مجموعه پله‌های منبر، تدوین گروه تولید محتوای دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۱۲. حمیدزاده گیوی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹ ش، بایسته‌ها و نبایسته‌های تبلیغ و مبلغین، تهران، حسام و پورنگ.
۱۳. حیدری کاشانی، علی، ۱۳۷۸ ش، سیری در آفاق، قم، حیدری بیگدلی.
۱۴. خالقی، روح‌الله، ۱۳۵۳ ش، سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، تهران.
۱۵. خردمند، محمد، ۱۳۸۶ ش، خطیب یگانه؛ مقاله «شرح حال مرحوم فلسفی در مجموعه گلشن ابرار»، ج ۵، چاپ دوم، قم، نورالسجاد.
۱۶. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸ ش، صحیفه امام، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۷. دانش‌کیا، محمدحسین، ۱۳۹۳ ش، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، قم، دانشگاه معارف.
۱۸. دوانی، علی و دیگران، ۱۳۷۶ ش، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



۱۹. دوانی، علی، ۱۳۸۸ش، مفاخر اسلام: معاصران، ج ۱۳، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. رفیعی، ناصر، ۱۳۹۸ش، مصاحبه با ایشان در مجموعه پله‌های منبر، تدوین گروه تولید محتوای دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۹۳، جرعه‌ای از دریا، ج ۳، قم، کتاب‌شناسی شیعه.
۲۲. شریعتمداری، علی، ۱۳۹۱ش، رسالت تربیتی و عملی مراکز آموزشی، چاپ هفتم، تهران، سمت.
۲۳. شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، ج ۲، تهران، اسلامیه.
۲۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۳ش، گنجینه دانشمندان، ج ۴، تهران، اسلامیه.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، العین، تحقیق و تصحیح مخزومی، سامرای و طیب، قم، اسوه.
۲۶. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۶ش، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی، چاپ دهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴ش، استیضاح دولت در حضور ملت، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ش، آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، چاپ دهم، الف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ش، بزرگسال و جوان، ج ۲، چاپ هشتم، ب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، سخن و سخنوری، چاپ نهم، ج، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹ش، شرح و تفسیر دعای مکارم الأخلاق، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲ش، مقتل فلسفی (روضه‌های واعظ شهیر مرحوم فلسفی)، به کوشش محمد رحمتی شهرضا، قم، روزنه دانش.
۳۳. قیصری، مهدی، ۱۳۹۰ش، خطیب توانا، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. گورابی، سید یاسم، پاییز ۱۳۸۹، «سیره عملی آیت الله العظمی بروجردی»، مجله علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم ع، شماره ۵۱.



۳۵. مازندرانی، ملا صالح، ۱۳۴۲ش، شرح کافی، تهران، المكتبة الاسلامية.
۳۶. منزوی، علی نقی و دیگران، ۱۳۷۷ش، فهرس اعلام الذریعة، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران.
۳۷. نجفی کرمانشاهی، محمدعلی، ۱۳۹۸ش، تأثیرات تمدنی تخصص در پژوهش، قم، میراث ماندگار.
۳۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۷ش، فعالیت‌های عالمان شیعه در عرصه بین‌الملل، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۳۹. واعظ خیابانی، میرزا علی، ۱۳۸۲ش، علمای معاصر، تصحیح عقیدتی بخشایشی، قم، نوید اسلام.
۴۰. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۹۳ش، فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ شصت و یک، قم، معارف.

#### پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اینترنتی بلاغ (معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، نشانی: [www.balagh.ir](http://www.balagh.ir)
۲. پایگاه دفتر مقام معظم رهبری، نشانی: [www.leader.ir](http://www.leader.ir)



### Speeches of the Late Falsafi Features and Criteria

Mohammad Ali Najafi Kermanshahi\*

#### Abstract

Gaining skills and success in the field of preaching and propagation depends on various factors and approaches. One of these approaches is to recognize the characteristics of famous lecturers and preachers of the Shiite world; by knowing and discovering the secret of their victory and success, the preacher should follow their model and perform his duty in propagating and explaining the teachings of Ahl al-Bayt. The famous preacher, Sheikh Mohammad Taqi Falsafi is one of the most famous Shiite preachers in the last century, and the issue of mentioning the most important features of his (religious) speech is the subject of this paper. In addition to having more than seventy years of speech and propagation experience, he owns a style in the field of speech. The purpose of this study is to illustrate the characteristics of his speeches in order to provide a standard model. The method of this research is based on library and field research., While emphasizing the diversity and multiplicity of features of the speeches of some preachers, this study defines "feature" as a characteristic that only some people adhere to, and mentions ten features of the speeches of the late Falsafi, under such headings as: using up-to-date scientific topics, introducing the comprehensiveness of Islam, multiple reading and mass reading, correct use of stories, using narrations in a wise manner, mentioning political issues without factionalism, use of non-linguistic tools, agreement of his speech and behavior, attention to the three axes: "wisdom", "preaching" and "controversy" and attention to the position and needs of the audience. These characteristics are organized in three areas: "preacher", "religious speech" and "audience" and in general, it presents a geometry in the field of propagation and religious speech which can be called "philosophical school of propagation".

#### Keywords

Propagation, features of religious speech, the late Falsafi.

---

\* Qom seminary graduate, PhD student in Islamic history and civilization: Najafi1370@gmail.com.